

## تأملی بر عروض جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم

(نقدی بر تبصره یک ماده ۱۵۰ ق.م.ا و تبصره دو ماده ۱۳ ق.آ.د.ک)

میثم کهن ترابی<sup>۱</sup> | مرضیه سبزیان<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قاننات، قاننات، ایران. رایانامه: [kohantorabi@buqaen.ac.ir](mailto:kohantorabi@buqaen.ac.ir)
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم؛ قم، ایران؛ مدرس مدعو دانشگاه بزرگمهر قاننات، قاننات، ایران. رایانامه: [m.sabziyan76@gmail.com](mailto:m.sabziyan76@gmail.com)

### چکیده

عروض جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از قطعی شدن حکم، محمل ارائه آراء گوناگونی توسط فقها و حقوقدانان شده است. تبصره یک ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی، میان مجازات‌هایی که جنبه حق الهی و حق الناسی دارند تفاوت قائل شده است. در مورد گروه اول، جنون را مانع تعقیب دانسته در حالی که در مورد گروه دوم قائل به توقف رسیدگی نیست. در همین راستا تبصره دو ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، مقرر داشته در مجازات‌های حق الناسی اگر شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند به ولی او ابلاغ می‌شود که وکیل معرفی کرده و در غیراینصورت وکیل تسخیری تعیین و رسیدگی ادامه می‌یابد. عبارت در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند، با برخی قواعد فقهی اصول اخلاق و حقوقی منافات دارد. پژوهش حاضر آراء متفاوتی که مطرح شده را طرح و مورد نقد و بررسی قرار داده است. جمله مذکور نوعی پیشداوری و نادیده‌انگاشتن حق دفاع در دادرسی منصفانه است. به نظر می‌آید حذف تفکیک جرائمی که دارای جنبه حق الهی و حق الناسی هستند و توقف تعقیب در هر دو مناسب‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** توقف محاکمه، سقوط مجازات، حق دفاع، حق الناس، حق الله

## مقدمه

جنون در زمان ارتکاب جرم، صدور حکم و اجرای کیفر را با موانعی روبه‌رو می‌گرداند و در این مورد جمیع فقها اتفاق نظر دارند. بر این اساس مطابق ماده ۱۴۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ هرگاه شخصی هنگام ارتکاب جرمی بدون اراده یا قوه تمیز باشد فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود و مجنون محسوب می‌گردد. همچنین در این خصوص ماده ۱۴۰ قانون مذکور اشعار می‌دارد که: «مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد...». اما موضوع حائز اهمیت که نیاز به تحقیق و بررسی دارد حالتی است که جنون بعد از ارتکاب جرم، خواه قبل صدور حکم و خواه بعد صدور حکم قطعی بر متهم یا محکوم عارض می‌گردد، علی‌الخصوص نسبت به آن دسته از مجازات‌هایی که دارای جنبه حق‌الناسی هستند همچون قصاص و دیات و نیز ضرر و زیان‌های ناشی از جرم که مطابق تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا. جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

این حالت شخص متهم حین ارتکاب جرم دارای اراده و آگاهی بوده و توان درک عمل خود را داشته و نیز از سلامت عقل کامل برخوردار بوده است لکن پس از ارتکاب جرم، جنون بر وی عارض شده است. با توجه به این مهم که لازم و ضروری است متهم در مراحل دادرسی توان دفاع از خود را داشته باشد و رسیدگی طبق اصول دادرسی عادلانه انجام شود، می‌بایست وی از سلامت عقلی کامل برخوردار باشد. فلذا این نکته در تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر گردیده است: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود...». بنابراین عروض جنون بعد از ارتکاب جرم از موانع تعقیب دعوی عمومی می‌باشد که با هدف اعطای حق دفاع به متهم انجام می‌گیرد و بعد از برطرف شدن جنون با عنایت به اصل تساوی افراد در مقابل قوانین و الزامی و قانونی بودن تعقیب، دعوا و رسیدگی مجدداً شروع خواهد شد و نیز محاکمه بر اساس ضوابط قانونی انجام خواهد گرفت. اما محل بحث ادامه تبصره فوق‌الذکر است که بیان می‌دارد: «...مگر آنکه در جرایم حق‌الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت...». با توجه به این تبصره محاکم بر اساس ادله ابرازی همچون وجود شاهد، مجرمیت شخص متهم را

اثبات می‌کنند و اینگونه نیازی به دفاع متهم در مراحل دادرسی نیست. علاوه بر آن تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا نیز قابل ایراد به نظر می‌رسد. این تبصره در این زمینه مقرر داشته است: «هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست». این در حالی است که شخص متهم حین ارتکاب جرم حضوری موثر داشته است و در خصوص پرونده اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تری دارد که احتمال دارد وفق دیگر مواد قانونی، اتهام انتسابی را رد نماید و اعتراضی به‌جا و متناسب با دیگر مقررات داشته باشد بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دادرسی و رسیدگی عادلانه به هنگام عروض جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم به چه نحوی می‌بایست صورت بگیرد؟ ضمن اینکه برای نیل به پاسخی صحیح به این مسئله نیاز است به این پرسش نیز پاسخ گوید که چرا مقررات مذکور برخلاف دادرسی عادلانه متهم است و چه تعارضاتی با برخی مواد قانونی، برخی از قواعد فقهی همچون قاعده درأ و همچنین با اخلاق اسلامی و نیز چه تعارضاتی با اهداف مجازات دارد؟

پیرامون موضوع مورد بحث پژوهش‌هایی به رشته تحریر در آمده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقالاتی با عناوین «اجرای احکام کیفری نسبت به مجنون در حقوق کیفری ایران» نوشته بهزاد جودکی و محمود عباسی در شماره ۲۹ فصلنامه حقوق پزشکی در تابستان ۱۳۹۳ و «تأثیر جنون پس از ارتکاب قتل در سقوط قصاص» اثر حسین ناصر خاکی، علیرضا عسگری و احمد مرادخانی در شماره ۱۳ دوفصلنامه علمی پژوهشی فقه مقارن در تابستان ۱۳۹۸ نگاشته شده که به اختلاف نظر بین فقها در این خصوص پرداخته است. همچنین مقاله «تأثیر حدوث جنون پس از ارتکاب جرم بر مجازات» نوشته عادل ساریخانی منتشر شده در شماره ۲۷ فصلنامه حقوق اسلامی نیز در زمره مقالاتی است که به این موضوع پرداخته و مجازات‌ها را به‌صورت تفکیک بین مجازات شلاق و قصاص و حدود مورد بررسی قرار داده است. رویکرد این مقاله صرفاً فقهی است.

پژوهش حاضر ضمن مطالعه و بهره‌گیری از پژوهش‌های فوق، علاوه بر بیان اقوال فقها و بررسی ادله موافقان و مخالفان، کوشیده است تعارض آن را با برخی اصول و قواعد فقهی همچون درأ و احتیاط در دماء و انفس، با سایر موارد قانونی که در تعارض بوده و نیز با عدالت و اخلاق اسلامی مورد بررسی علمی قرار داده است و از این منظر صاحب نوآوری و جامعیت است. روش به کار رفته در این پژوهش، روشی تحلیلی توصیفی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای است که با تحقیق و پژوهش در کتب مختلفی اعم از فقهی و حقوقی با فیش برداری از اقوال فقهای متقدم و متأخر و حقوقدانان صورت گرفته است. پژوهش حاضر به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود که در هر بخش یک دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ابتدا اقوال فقها و سپس نقد آن به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱. دیدگاه عدم سقوط حدود و قصاص از منظر فقه و حقوق

فقه‌های مذاهب اسلامی عروض جنون حین ارتکاب جرم را مسقط مسؤلیت کیفری دانسته و جنون وی را مانع مجازات می‌دانند. آنچه که در این پژوهش برای روشن شدن مسئله، قابل بحث می‌باشد و نیاز به بررسی و مطالعه ادله دارد و محل اختلاف فقها است، بحث جنون بعد از ارتکاب جرم است. ظاهراً به طور کلی و در مجموع دو دیدگاه متفاوت بین فقها وجود دارد که بعضی از فقیهان اعتقاد به عدم سقوط مجازات شخص مجنون دارند برخی دیگر معتقد به سقوط محاکمه و تأخیر اجرای حد تا زمان افاقه جنون شخص هستند که در ادامه به بررسی دلایل هر یک از نظرات فقها پرداخته می‌شود.

### ۱-۱. اقوال فقها

مشهور فقهای امامیه در این دسته قرار می‌گیرند و ظاهر کلامشان این است که عروض جنون بعد از ارتکاب جرم سبب سقوط حدود و قصاص نیست و در همان حالت جنون حد اجرا خواهد شد. شیخ طوسی در مبسوط در این باره می‌نویسد: اگر کسی دیگری را به قتل رسانید و سپس دچار جنون گردید، در حالت جنون قصاص می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۸/۷). علامه حلی در قواعد الأحکام بیان می‌دارد: چنانچه فرد عاقلی با دیگری زنا کند سپس جنون بر وی عارض گردد، حد از وی ساقط نمی‌گردد، بلکه در همان حالت جنون حد اجرا می‌گردد (حلی، ۱۴۱۳: ۵۳۳/۳). محقق حلی نیز می‌نویسد: اگر شخص عاقلی مرتکب قتل

شود سپس مبتلا به جنون گردد قصاص از وی ساقط نمی‌شود (محقق حلی، ۱۰۹: ۹۳۷/۴). ظاهر عبارت با توجه به اینکه مشهور فقها قائل به قاعده «لا تأخیر فی حد<sup>۱</sup>» هستند، نشان می‌دهد که حد در حالت جنون اجرا می‌گردد (حلی، ۱۴۱۳: ۵۳۳/۳؛ خویی، ۱۴۲۲: ۲۶۳/۴۱؛ خمینی، ۱۳۶۷: ۴۶۵/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹: ۳۸۰/۱۴).

همچنین در این خصوص مرحوم خویی آورده است: اگر شخص در حالت افاقه و صحت دیگری را به قتل رساند و پس از ارتکاب جنایت بر وی جنون عارض گردد، قصاص از او ساقط نمی‌گردد و هیچ اختلافی در این مسئله بین فقهای امامیه وجود ندارد (خویی، ۱۴۲۲: ۹۰/۴۲). دیگر فقها همچون صاحب جواهر و صاحب ریاض المسائل ادعای عدم اختلاف در بین فقهای امامیه بر عدم تأثیر جنون در سقوط قصاص را مطرح کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۶۲/۴۱؛ طباطبایی، ۱۴۰۴: ۵۱۳/۲). برخی دیگر از فقهای امامیه نیز با فتوایی همانند و مشابه، همین حکم را ارائه داده‌اند (نک: مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۴/۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۳۵/۷؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۶۱۱/۲).

در میان اهل سنت، حنبلیه (ابن قدامه ۱۴۱۴: ۴/۴؛ ابن قدامه ۱۳۸۸: ۴۸۲/۱۱) و همچنین شافعیه (شافعی، ۱۳۹۳: ۵/۶؛ عمرانی ۱۴۲۱: ۳۰۳/۱۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۱۳۷/۹) بر این دیدگاه‌اند که در هیچ حالتی قصاص از شخصی که مرتکب قتل گردیده ساقط نمی‌گردد؛ به عبارتی چه اینکه شخصی جنون ادواری داشته اما در حالت افاقه فردی را به قتل رسانده و پس از آن جنون بر وی عارض گردیده و چه فردی عاقل و سالم بوده است اما بعد از ارتکاب جنایت، مجنون گردد، باز هم قصاص از وی ساقط نخواهد گردید و در همان حالت مجنون بودن نیز حکم اجرا خواهد شد.

## ۱-۲. دلایل و استدلال منتقدان به عدم سقوط مجازات

آن دسته از فقهای مذاهب اسلامی که قائل به نظریه عدم سقوط مجازات هستند، دلایلی را برای قبول این نظریه بیان می‌دارند که با چالش‌ها و انتقاداتی همراه است.

### ۱-۲-۱. رجوع جانی از اقرار

۱. بر اساس این قاعده، پس از ارتکاب جرم موجب حد، تاخیر در اجرای آن حرام است و حدود پس از اثبات، باید فوراً اجرا شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۸۰).

رجوع جانی پس از عروض جنون از اقراری که در زمان صحت عقل انجام داده مسموع نیست (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۴۸۲/۱۱).

نقدی که به این دلیل وارد است از این قرار است که اقرار در مباحث کیفری موضوعیت ندارد تا قاطع دعوا باشد بلکه اقرار در مسائل کیفری طریقت دارد. اصلی‌ترین دلیل نفوذ و اعتبار اقرار شخص، بناء عقلا است و نصوص شرعی که ناظر بر قواعد عقلایی است را باید بر اساس همان مبانی عقلایی تعبیر و تفسیر نمود نه این که صرفاً به شکل انتزاعی و بر اساس تفسیر لفظی به خصوص اطلاق بدوی تعبیر کرد. پس از اقرار نمودن مرتکب و تا آخرین زمان پیش از اجرای مجازات این امکان وجود دارد که وضعیت جدید حاصل شود که کاشف از بی‌اعتباری اقرار گردد؛ فلذا در خصوص مرتکب مجنون برخی از مسائلی که ممکن است از جانب شخص محکوم و یا متهم بیان گردد و باعث اثبات عدم اعتبار اقرار وی باشد، منتفی است. بر این اساس اجرای مجازات حتی اگر در زمان صحت اقرار نموده، بازهم شبهه خواهد داشت بنابراین با وجود قاعده‌ی درأ، حد اجرا نمی‌گردد (نوبهار، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

### ۱-۲-۲. زوال مسولیت کیفری و روایت برید عجلی

یکی دیگر از دلایل قائلان به مجازات آن است که شخص مرتکب به هنگام ارتکاب جنایت دارای صحت عقل کامل بوده است و مسولیت کیفری از وی زائل نمی‌شود. در پاسخ به این دلیل می‌توان بیان داشت که عدم زوال مسولیت کیفری شخص مرتکب مورد خدشه نیست، لکن بحثی که قابل تأمل است محاکمه و مجازات شخصی است که جنون بر وی عارض گردیده و مجنون شده است. در روایت برید عجلی که از امام باقر (ع) سوالی پرسیده شده، آمده است که مردی شخصی را به عمد می‌کشد اما حد و شهادت بر وی واقع نمی‌گردد تا این که جنون بر مرد عارض می‌شود و عقلش زائل می‌گردد. پس از آن افرادی شهادت می‌دهند که وی مرتکب قتل عمد گردیده است. از حضرت پرسیده می‌شود حکم چنین شخصی چیست؟ حضرت می‌فرماید: اگر شهادت دادند که در هنگام ارتکاب قتل از سلامت کامل عقلی برخوردار بوده است، قصاص اجرا می‌گردد. اما اگر شهود جدید اینگونه گواهی ندهند و شخص مجنون مالی داشته باشد، دیه مقتول از مال قاتل پرداخت می‌گردد و در صورتی که از قاتل اموالی موجود نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد؛ چرا که خون مسلمان هدر نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۲۳/۸).

در پاسخ باید گفت روایت مورد استناد از نظر سند مشکل دارد و سند روایت مجهول است (مجلسی دوم، ۱۴۰۶: ۱۶/۴۹۰) سند روایت این است: «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد و علی بن ابراهیم عن ابیه جمعاً عن ابن محبوب عن خضر العیه فی عن برید بن معاویه اللعجلی». برخی به دلیل وجود ابن محبوب در سند این روایت که از اصحاب اجماع می باشد، آن را صحیح دانسته اند (علوی، ۱۴۲۰: ۱/۴۱۳) و برخی با توجه به اینکه در سلسله سند این روایت شخصی به نام خضر صیرفی مجهول الحال وجود دارد و دانشمندان علم رجال در خصوص وی اظهار نظری نداشته اند (مدنی کاشانی، ۱۴۱۰: ۹۲) به همین سبب سند روایت مجهول شده و به تبع آن ضعیف محسوب می شود

### ۱-۲-۳. اجماع فقها

دیگر دلیل مطرح شده بحث اجماع فقها است که در برخی از کتب فقهی با عباراتی همچون «بلا خلاف یظهر» مطرح شده است (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۲/۵۱۳). از آنجا که اجماعی که از آن سخن گفته شده به دلیل استناد به روایت برید عجلی از امام باقر(ع) است در زمره اجماع مدرکی قرار می گیرد یا دست کم اجماعی محتمل المدرک است. چنین اجماعی بدان جهت که اجماع دخولی محسوب نمی شود اعتبار ندارد (بحرانی، ۱۴۲۶: ۱/۵۷). به همین سبب اکثریت فقها قائل به عدم حجیت اجماع مدرکی هستند (نک: شاکری، ۱۳۹۵: ۲۹). بنابراین نمی توان به استناد چنین اجماعی قائل به عدم سقوط مجازات شد. از طرفی دیگر همانگونه که نقل شده، فقهای بسیاری قائل به عدم سقوط نیستند و مجازات را ساقط می دانند.

### ۱-۲-۴. اصل استصحاب

اصل عملی بر استصحاب حق قصاص و اصل عدم سقوط است (همو، ۱۳۹۵: ۵۱۳). در جواب باید گفت که استناد به اصل استصحاب در اینجا چندان با موازین اصولی سازگار نیست؛ زیرا در استصحاب وحدت موضوع شرط است. استصحاب، با توجه به تبدیل موضوع و از بین رفتن یکی از شرایط اصلی استصحاب که بقای موضوع است، نمی تواند یک دلیل محسوب شود (موضوع استحقاق مجازات قبل از جنون، انسانی عاقل است ولی بعد عارض شدن جنون، انسان مجنون می باشد) با عنایت به لزوم وحدت موضوع در استصحاب نمی شود بیان نمود که شرط وحدت موضوع و اتحاد متیقن و مشکوک وجود دارد؛ چرا که وصف

صحت عقل و جنون موضوع قبلی و فعلی را متمایز خواهد کرد. اگرچه ذات موضوع یکی است، اما دیوانه‌ی فعلی، عاقل پیشین است لکن وجود وصف عقل در گوهر انسان و نیز انسان دیوانه دو موضوع کاملاً متفاوت است. مضاف بر این که در ثبوت حکم قصاص شک و شبهه است؛ چرا که این احتمال وجود دارد که قاتل از همان لحظه ارتکاب جنایت، مستحق قصاص نباشد و قتل در حالت عمدی و با انگیزه دشمنی صورت نگرفته باشد و یا اینکه مقتول از ویژگی‌هایی برخوردار باشد که مهدورالدم محسوب گردد و کشتن وی موجب قصاص نباشد.

### ۱-۲-۵. اطلاع در محاکمه

توقف دادرسی به سبب عارض شدن جنون، با تسریع و عدم توقف و اطلاع در محاکمه مخالف است. در ارتباط با این دلیل باید بیان گفت که توقف دادرسی تا زمان افافه مخالف اصل تسریع نیست؛ زیرا مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۵۰۳ مقرر داشته است که اجرای حکم تعزیری و حبس نسبت به محکوم علیه مجنون تا زمان افافه باید به تعویق افتد.

### ۱-۲-۶. صحت عقل و اطلاعات و عموم و ظهور ادله

قصاص در قتل عمدی در صورت صحت عقل مرتکب و جوب پیدا می‌کند و با تغییر حالاتی همچون جنون، مستی و خواب محکوم علیه باعث سقوط قصاص نمی‌گردد (عمرانی، ۱۴۲۱ق، ۱۱، ۳۰۳).  
اولاً در پاسخ می‌توان بیان کرد که جنون را نمی‌توان با مستی و خواب مقایسه کرد، ثانیاً استناد به این دلیل مثل استناد به اصل استصحاب است که مخدوش است.

بحث اطلاعات و عموم و ظهور ادله قصاص و حدود مطرح است (حسینی روحانی، ۱۴۱۴: ۲۶؛ ۵۹-۶۰). در این خصوص این گونه می‌توان پاسخ داد که ادله حدود اطلاق ندارد و شامل حالت عروض جنون نمی‌شود؛ زیرا فلسفه مجازات، مخصوصاً در حدود، اصلاح و بازپروری مرتکب است و اجرای مجازات در حالت جنون مرتکب لغو و بدون هیچ فایده‌ای خواهد بود (حاجی‌ده آبادی، ۱۴۰۰: ۸۰). در خصوص ظهور ادله قصاص نیز باید بیان داشت که به چنین ظهوری خدشه وارد است؛ چرا که

استناد به اطلاق ادله در صورتی امکان پذیر است که در مقام بیان احراز گردد و چنانکه در نقل مذکور آورده شده، حداقل این احتمال نیز وجود دارد که در مقام بیان نیست؛ زیرا ممکن است منظور عروض جنون هنگام ارتکاب جنایت باشد. مضاف بر این که در صورت قبول اطلاق و امکان استناد در صورت وجود دلیل کافی برای دیدگاه مخالف، چنین ظهوری حجت ندارد.

### ۱-۲-۷. قاعده لا تاخیر فی الحد

بر اساس قاعده لا تاخیر فی الحد، بعد از ارتکاب جنایت، تأخیر در اجرای آن حرام است و حدود پس از اثبات باید فوراً اجرا گردند. در این خصوص می بایست ادله قائلان به این قاعده را بررسی کرد و در صورت عدم پذیرش ادله مطروحه، بر اساس اصل اولی به جواز تأخیر در اجرای حد قائل گردید. از جمله مستندات این قاعده، معتبره سکونی از امام صادق (ع) است که این گونه نقل کرده است: سه نفر علیه مردی مقابل حضرت علی (ع) شهادت به زنا دادند و حضرت پرسیدند نفر چهارم کیست؟ پاسخ دادند الان می آید. حضرت فرمودند که آنها را حد قذف زنید؛ زیرا در حدود لحظه ای نباید تأخیر کرد (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۹۶/۲۸).

. روایت سکونی از جهات مختلفی نقد گردیده است (همو، ۱۴۱۶: ۱۳ / ۲۸) از جمله این که غرض سه شاهد احسان و نهی از منکر می باشد «ما علی الْمُحْسِنِينَ مِنَ السَّبِيلِ» (توبه: ۹۱)؛ بنابراین چگونه می توان به حد زدن شهود قائل گردید؟ به علاوه حد در حالتی اجرا می گردد که مرتکب، علم به حرمت عمل داشته است و در این فرض سه شاهد نمی دانسته اند با شهادت ناقص عمل حرامی را مرتکب می گردند بنابراین نمی توان معتقد به مجازات کردن بود مضاف بر اینکه حد قذف نیازمند مطالبه صاحب آن است که در روایت مذکور حرفی از درخواست مقذوف وجود ندارد (حاجی ده آبادی، ۱۴۰۰: ۸۴). مستند بعدی این قاعده روایت میثم است. زنی به نزد حضرت علی (ع) آمد و چهار مرتبه اقرار به زنا کرد. امیرالمؤمنین (ع) به سوی آسمان نگاه کرد و فرمود خدایا چهار اقرار علیه این زن ثابت شد و تو به پیامبرت در آموزه های دینی فرموده ای: ای محمد، هر کس یکی از حدود مرا تعطیل نمود، با من به دشمنی برخاسته است و مخالفت مرا می خواهد (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۹۶/۲۸). در مورد روایت میثم باید بیان داشت که به صراحت به تعطیلی حدود اشاره دارد و حرام بودن تأخیر در اجرای حدود را مطرح نکرده است. همچنین برای

این قاعده برخی استثنائات مطرح گردیده است از جمله بسیار سرد یا گرم بودن هوا که می‌بایست حد تا زمان عادی شدن دمای هوا به تأخیر افتد (همو، ۲۸: ۱۴۱۶ / ۲۲).

دیدگاه مشهور فقهای امامیه مبنی بر عدم سقوط حدود و قصاص با عروض جنون پس از ارتکاب جرم، متکی بر مبانی‌ای همچون قاعده «لا تأخیر فی الحد» و اصل استصحاب حق قصاص است، اما تأمل در مبانی اصولی و فقهی این دیدگاه نشان می‌دهد که این استدلال‌ها از حیث دلالت و مبنا قابل خدشه‌اند. نخست، اجرای مجازات در حالت جنون با فلسفه حدود و قصاص که بر درک، اراده و اصلاح مرتکب استوار است، منافات دارد؛ زیرا مجنون نه درک دارد و نه قابلیت بازپروری. دوم، استناد به استصحاب در این مقام مخدوش است، چراکه وحدت موضوع از بین رفته و انسان عاقل قبل از جنون با انسان مجنون پس از آن، دو موضوع متفاوت‌اند. همچنین، روایت برید عجلی که اساس اجماع منقول فقها بر آن استوار است، از نظر سند ضعیف و از حیث دلالت مضطرب است و نمی‌تواند مستند حکم الزام‌آور باشد.

از منظر اصولی، اجرای قصاص یا حد در حالت جنون، با قاعده «درء» که بر دفع حدود به سبب شبهه تأکید دارد، تعارض آشکار دارد. افزون بر این، تأخیر اجرای مجازات تا زمان افاقه، نه تنها نقض قاعده «لا تأخیر فی الحد» نیست، بلکه در راستای رعایت عدالت و حفظ حرمت انسان در فقه اسلامی است، چنان‌که در موارد بیماری یا بارداری نیز تأخیر پذیرفته شده است. بنابراین، با جمع میان قواعد اصولی و روح شریعت، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه سقوط موقت اجرای مجازات تا زمان افاقه، هم از منظر عقلانی و هم فقهی موجه‌تر است، زیرا تحقق عدالت کیفری و امکان دفاع مشروع متهم جز در حالت سلامت روانی ممکن نیست. بر این اساس، قول به عدم سقوط مطلق حدود و قصاص با عروض جنون، هرچند مشهور است، اما فاقد پشتوانه‌ی استدلالی کافی و منطبق با مقاصد شریعت نیست.

## ۲. دیدگاه توقف محاکمه و سقوط مجازات

در مقابل دیدگاه عدم سقوط محاکمه و عدم سقوط حدود و قصاص، برخی از فقها پذیرش آن را مشکل می‌دانند و قائل به تأخیر اجرای مجازات تا هنگام افاقه مجنون هستند.

## ۲-۱. اقوال فقها

از جمله مقدس اردبیلی اینگونه بیان می‌دارد: ممکن است به دلیل عدم تکلیف و نداشتن منفعت در اجرای حد تا زمان افاقه، حد از وی ساقط شود؛ چرا که مجنون تا زمان افاقه متوجه نمی‌گردد و بنابر معنای ظاهری روایت حماد بن عیسی از جعفر بن محمد از پدرش از حضرت علی (ع) تا زمان افاقه مجنون، حدی بر وی نیست (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹: ۸۲/۱۳). موسوی اردبیلی نیز این دیدگاه را پذیرفته و دقیقاً به این مطلب اشاره دارد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ۵۳۴/۱: ۶۳۲/۲).

در این باره منتظری بیان داشته است: فتوا دادن به اجرای حد شلاق یا سنگسار شخص مجنون در حالت جنونش مشکل و مخالف موازین می‌باشد، هرچند روایت بر اجرای حد بر دیوانه هست، اما سخن معصوم مبنی بر آن که حدی بر دیوانه نمی‌باشد تا این که بهبود و صحت پیدا کند یا این قول که من ابا دارم دیوانه را در جایگاه اجرای حد قرار دهم، قوی‌تر از روایت مزبور است. همچنین ارتکازات عقلی دلالت بر این مسئله دارد که عقل ابا از اجرای حد بر مجنون دارد و تفاوت مرتد با دیوانه روشن می‌باشد، پس نیاز به تأمل جدی دارد (منتظری، ۱۴۰۰: ۹۹).

همچنین نویسنده الفقه در کتاب الحدود و التعزیرات نیز به همین مطلب اشاره داشته است و اعمال مجازات بر مجنون در حالت جنونش را مشکل دانسته و مخالف موازین می‌داند (شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۵۴-۱۵۶).

در تفصیل الشریعه در باب حدود آمده است که اعمال مجازات بر شخص مجنون در صورت جنون وی مطلقاً خلاف موازین است به دلیل فرموده حضرت علی (ع) که تا زمان افاقه مجنون حدی بر وی نیست (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۷: ۲۰۷).

برخی از فقها همچون شهید ثانی قائل به تفصیل شده و اجرای حد جلد را در حالت جنون مشکل دانسته‌اند اما اجرای حد قتل و رجم را بدون اشکال می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۸۰/۱۴). آیت الله گلپایگانی نیز در در المنضود به این مطلب اشاره داشته و

قائل به این نظریه است (گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۳۴/۱).

از فقهای عامه مالکیه قائل به این دیدگاه هستند در صورتی که شخص عاقلی، دیگری را به قتل رساند و پس از جنایت جنون بر وی عارض گردد، در حالتی که امیدی به بازگشت عقل و سلامتی وی نباشد، مجازات قصاص ساقط می‌گردد، ولی دیه در اموالش ثابت خواهد بود (حطاب، ۱۴۱۲: ۲۳۲/۶؛ صاوی، ۱۴۱۵: ۳۸۰/۲).

فقهای حنفیه نیز می‌گویند چنانچه شخصی در حالت صحت و عاقل بودن، مرتکب قتل دیگری شود و سپس مجنون گردد، در صورتی که عروض جنون قبل از صدور حکم قصاص رخ دهد، با عنایت به استحسان قصاص به دیه تبدیل می‌گردد و در حالتی که جنون پس از صدور حکم قصاص بر مرتکب عارض گردد، در این صورت قصاص اجرا می‌شود (ابن عابدین، ۱۹۷۹: ۵۳۲/۶؛ ابن نجیم، ۱۴۱۹: ۱۲۹).

متهم در فرایند دادرسی از حقوقی برخوردار است که شرط اجرای آن وجود قوه تعقل است، زیرا بر رفتار شخص مجنون نمیتوان اعتبار حقوقی بار کرد. مطابق مواد ۸، ۸۹ و ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۱ جنون متهم به طور مطلق اعم از اینکه مرتکب حین ارتکاب جرم مجنون بود یا پس از آن دچار این عارضه می‌شد، از موارد موقوفی تعقیب محسوب می‌گردد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱/۱۹۷).

در این خصوص استفتا برخی از فقهای معاصر بیان می‌شود:

آیت الله گلپایگانی: واضح است که محاکمه مجنون در حال جنون و مرتب کردن احکام آن جایز نیست و محتلج به سوال کردن هم نیست چون کسی مجنون را محاکمه نمی‌کند (گنجینه استفتائات قضایی، سوال ۲۹۴).

آیت الله مکارم شیرازی: مجنون را نمی‌توان محاکمه کرد بلکه باید ولی او از او دفاع نماید.

آیت الله حکیم: مجنون در حال جنون تکلیف ندارد (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱/۱۹۹).

## ۲-۲. دلایل منتقدان به سقوط مجازات

قائلین به نظریه توقف محاکمه و اجرای مجازات تا زمان بهبودی و در صورت ناامیدی از بهبودی، ساقط شدن قصاص و حدود معتقدند در صورتی که فرض بر این باشد مجازات مجنون ساقط نگردد با یکسری ایرادات و مشکلاتی روبه‌رو خواهیم شد و دلایل خود را اینگونه بیان می‌دارند:

## ۲-۲-۱. مکلف بودن مرتکب

شرط مجازات شخص مرتکب، مکلف بودن مجازات شونده است که باید صلاحیت داشته باشد تا از نظر کیفری مسئول شناخته شود. همچنین با توجه به این که اجرای حکم مکمل دادرسی و محاکمه است، با عنایت به این که شرط دادرسی این است که مرتکب مکلف باشد، در نتیجه لازم است که در زمان اجرای حکم و مجازات جانی نیز این شرط را دارا باشد. در واقع می‌بایست بیان نمود که شرط اجرای مجازات این است که مرتکب در همان وضعیت حین ارتکاب جرم باشد.

## ۲-۲-۲. حق دفاع

شخص مجنون امکان دفاع از اتهام انتسابی را نخواهد داشت فلذا در چنین شرایط و موقعیتی یکی از اصول دادرسی عادلانه که حق دفاع متهم است، رعایت نگردیده است.

تن دادن به تعقیب و محاکمه شخصی که از نعمت عقل برخوردار نمی‌باشد برای نخستین بار در مقررات مزبور تنها در جرایم حق الناسی پذیرفته شده و وضع این قانون مبتنی بر این مسئله توجیه شده است که به لحاظ مشخص نبودن سرنوشت فرد مجنون توقف در دادرسی سبب تضییع حقوق بزه دیده می‌گردد از سوی دیگر اگر رسیدگی و تعقیب ادامه پیدا کند حق تدارک دفاع مجنون نادیده گرفته خواهد شد بنابراین مسئله تعارض دو حق مطرح می‌گردد که قانونگذار به موجب این قانون به رعایت حق بزه دیده اولویت داده است؛ یعنی به رغم وجود حالت جنون متهم تداوم تعقیب و رسیدگی را پذیرفته است این وضعیت در مورد امور مالی مثل دیه بلا اشکال است اما در امور کیفری که نتیجه اعمال مجازات است با مبانی حقوق کیفری در تضاد است (طهماسبی،

۱۴۰۴، ۴۸).

محاكمه نمودن شخصی که قادر به دفاع از خود نیست، عادلانه به نظر نمی‌رسد. در چنین شرایطی میبایست به وی فرصت داد تا با درمان و معالجه در مراکز روانی بهبودی کامل خویش را بدست آورد لذا در این حالت، تعقیب کیفری با مانع مواجه است (خالقی، ۱۴۰۴: ۱/۱۱۷). این حکم که تعقیب و دادرسی شخص مجنون که مرتکب جرایم حق الناسی شده ادامه خواهد یافت، صحیح به نظر نمی‌رسد و مسلماً نمی‌توان بدون شنیدن اظهارات متهم و دفاعیات وی، به صرف وجود وکیل در دفاع از وی که خود او نیز برای دفاع از موکل نیازمند شنیدن اظهارات موکل می‌باشد، متهم را به طور منصفانه‌ای محاکمه کرد. در این مورد قانونگذار در سنجش حقوق متهم و بزه دیده کاملاً به سوی بزه دیده تمایل داشته است (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۳: ۲/۱۹۳). به نظر رسد در خصوص مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارند، جنون در صورتی مانع تعقیب و رسیدگی نیست که مجرمیت مرتکب محرز و مسلم باشد و اگر صرفاً اتهام متوجه متهم بوده و ادله مثبت تحقق جرم نباشد و چه بسا توجیحات و دفاعیات متناسبی همچون دفاع مشروع، اکراه یا اشتباه و... برای رفع مسولیت از متهم وجود داشته باشد؛ محاکمه مجنون توجیه حقوقی نداشته و با حق دفاع وی نیز رویارویی دارد (شمس ناتری، ۱۴۰۴/۵۱۷). لذا تاکید بر ادامه رسیدگی در شرایطی که مرتکب به علت وضعیت جنون، ناتوان از دفاع در برابر اتهام است، مغایر با حقوق دفاعی و اصول دادرسی منصفانه است (اقایی‌نیا- رستمی، ۱۴۰۴/۲۲۹).

اندیشمندان با ظهور مکاتب آزادی‌خواه و حمایت از فرد به این نتیجه رسیدند که قوانین کیفری را به نفع متهم تفسیر و تعبیر کنند. از جمله مباحث مهمی که امروزه در مقررات و اسناد بین‌المللی مطرح می‌شود، مفاهیم دادسی عادلانه و منصفانه مخصوصاً حق دفاع متهم در مراحل مختلف تعقیب و محاکمه و رسیدگی است. حق دفاع متهم در تمامی مراحل رسیدگی در مقرره‌های بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز در قوانین داخلی از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین گردیده اما در قوانین عادی هنوز تضمینات و اقدامات موثری انجام نشده است. جنون در مرحله قبل از صدور حکم قطعی شامل مراحل تعقیب و محاکمه است. اگر بر متهم در این مراحل جنون عارض گردد، تعقیب و محاکمه فردی که دارای صحت و کمال عقل نیست و از سلامت روانی برخوردار نمی‌باشد با دادرسی عادلانه که ضامن حفظ حقوق دفاعی متهم است،

سازگار نخواهد بود. ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق در این زمینه «تقاضانامه‌ی ترک تعقیب» را پیش‌بینی نموده بود که می‌بایست از جانب دادستان برای مستنطق ارسال می‌شد.

حق دفاع متهم به عنوان یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه، اقتضا دارد که هیچ فردی بدون توانایی درک، شعور و امکان دفاع از خود مورد محاکمه قرار نگیرد. شخص مجنون به دلیل اختلال در قوه تمیز، قادر به فهم اتهامات، بیان توضیحات یا همکاری مؤثر با وکیل نیست، بنابراین ادامه‌ی دادرسی علیه او برخلاف اصول انصاف و عدالت است. هرچند قانونگذار در جرایم حق الناسی به منظور حفظ حقوق بزه‌دیده ادامه‌ی تعقیب را مجاز دانسته، اما این توجیه با مبانی حقوق کیفری و اصل شخصی بودن مسئولیت در تضاد است. حضور وکیل نیز نمی‌تواند جایگزین دفاع آگاهانه و ارادی متهم گردد، زیرا دفاع واقعی مستلزم ارتباط و آگاهی متقابل میان متهم و مدافع است. در امور مالی مانند دیه، صرف تحقیق برای حفظ حقوق بزه‌دیده ممکن است قابل پذیرش باشد، اما صدور حکم کیفری علیه مجنون فاقد وجهت حقوقی و اخلاقی است. بنابراین دادرسی باید تا زمان افاهه متهم متوقف شود و تنها اقدامات ضروری برای حفظ ادله جرم ادامه یابد. محاکمه مجنون در واقع به معنای تعقیب یک موضوع بی‌اراده است نه یک شخص مسئول. نتیجه آنکه اجتهاد نویسنده بر این مبنا استوار است که رعایت حق دفاع و عدالت دادرسی بر مصلحت تسریع در رسیدگی و حتی بر حق بزه‌دیده اولویت دارد.

## ۲-۲-۳. تعارض با برخی اصول و قواعد فقهی

پذیرش دیدگاه عدم سقوط مجازات قصاص و حدود با برخی از اصول و قواعد فقهی در تعارض است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

**الف. قاعده تدرأ الحدود بالشبهات:** با پذیرش قاعده‌ی درأ در صورتی که شبهه، عقلایی و قوی است و دلیل خاصی به جز اصول عملیه، بر نفی شبهه وارد نشده باشد، به سقوط حد حکم می‌گردد. قاعده مذکور اعم است و شامل شبهه حکمی و شبهه موضوعی است. همچنین با استناد به بنای عقلا در امور کیفری با وجود شکی معقول، حکم به اجرای مجازات داده نمی‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۰: ۳۱). بر اساس این قاعده حد با وجود شک و شبهه ساقط شده و حدود در صورتی به اجرا

در خواهد آمد که شبهه‌ای به میان نیاید که در اینجا مراد شبهه موضوعی است. چنانکه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اعمال قاعده در اشاره داشته و در ماده ۱۲۰ قانون مزبور مقرر داشته است: هر گاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود. فلذا اجرای مجازات بر مجنون خالی از شبهه نیست و می‌توان به استناد قاعده در متقاضی توقف آن بود چرا که قاعده در به عنوان تضمینی جهت صیانت از متهمان در برابر تحمل مجازات در شرایطی که بزهکاری و اتهام آنها شبهه وجود دارد (شریفی، ۱۳۹۸: ۶۶۲).

**ب. لزوم احتیاط در حفظ دماء و انفس:** بر فرض پذیرفتن سند و دلالت روایت برید عجلی از امام باقر (ع) که در مباحث قبلی مطرح گردید و کافی ندانستن دلیل عقلی و سایر ادله، در این صورت باز هم عمل نمودن به فتوای مشهور فقها مشکل خواهد بود به سبب این که تعداد زیادی از فقها و اصولیون معتقدند که در امور کیفری به ویژه مسائل کیفری بسیار مهم مثل حد مخصوصاً حدودی که سبب سلب حیات می‌شوند، اهمیت قاعده لزوم احتیاط در دماء و نفوس به اندازه‌ای است که امکان ندارد با خبر واحد از آن قاعده صرف نظر نمود. به بیانی دیگر در احکام بسیار شدید کیفری خبر واحد فاقد حجیت است و در چنین مواردی که خبر واحد تنها مستند حکم می‌باشد نمی‌شود بر مبنای آن نظریه فقهی ارائه نمود. در زمینه حجیت نداشتن خبر واحد در مسائل کیفری مهم صاحب جواهر در مباحث حدود عبارت «هی خبر واحد لایحکم بالحدود» را آورده است و تصریح داشته است که به استناد خبر واحد نمی‌شود به جواز اجرای حدود در خصوص خبر نظر داد و طبیعتاً اجماع که ملحق به خبر واحد می‌باشد نیز این چنین سرنوشتی را به دنبال دارد (نجفی، ۱۳۸۲: ۲۸۰). فاضل نیز با عبارت «هی خبر واحد فلاحسن فی الحدود الاجتناب عنه» (فاضل آبی، ۱۳۱۰: ۵۷۲) عمل نمودن به خبر واحد و همچنین اجماع ملحق به خبر واحد در امور کیفری و مباحث حدی را درست و مطلوب ندانسته است (ساریخانی و آقابابائی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). بنابراین اگر قاضی در عفو خطا کند به مراتب بهتر است از اینکه در مجازات مرتکب اشتباه شود (حاجی ده آبادی، ۱۴۰۰: ۱۶۴).

**ج. عدم تکلیف مجنون (حدیث رفع قلم):** شخص مجنون تکلیفی نخواهد داشت فلذا نداشتن تکلیف از جانب

مجنون اقتضا دارد که حدود و قصاص بر وی اجرا نگردد. چنانکه مقدس اردبیلی اینگونه اشاره می‌کند: «و یحتمل السقوط الی

ان یفیک لعدم التکلیف» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۸۲/۱۳). و همچنین فاضل هندی در کشف اللثام بیان می‌دارد: «و چه بسا حد

به صورت مطلق در مجنون دائم ساقط گردد و به دلیل عموم رفع قلم» (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۷۸). به بیانی دیگر روایت رفع قلم

هم جنون حین ارتکاب جنایت را شامل می‌شود و هم جنونی که بعد ارتکاب جنایت عارض می‌گردد را در بر دارد که در هر

صورت بر شخص مجنون نباید حدی اجرا شود و تکلیفی ندارد.

اگر بر اساس نظر روان پزشکی، جنون مرتکب به طور دائم باشد، در این صورت تکلیف چگونه خواهد بود؟ قانونگذار در این

خصوص حکمی را مطرح نموده است اما می‌توان گفت در فرضی که مطابق اظهار نظر کارشناسان جنون متهم به طور دائم باشد

و امکان بهبودی و افاقه‌ی وی نباشد و همچنین این امر مورد پذیرش محاکم باشد، جنون را می‌بایست در ردیف دیگر موارد سقوط

دعوی عمومی همانند عفو و گذشت تلقی نمود و به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت ورزید (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۶۰). برخی

از حقوقدانان معتقدند: اعاده مجنونی که بهبود یافته است به زندان توقعات اجرای مجازات را برآورده نمی‌سازد و عادلانه هم

نیست. از نظر ما جنون در زمان اجرای حکم در هر صورت مجازات را ساقط می‌نماید و این مسئله را نه ما بلکه داده‌های

روان‌شناختی نیز تایید می‌کنند (نوربها، ۱۳۸۲: ۲۲۵).

## ۲-۲. اهداف مجازات

به عقیده‌ی حقوقدانان به طور کلی و در مجموع سه هدف در خصوص اجرای مجازات وجود دارد: ارباب، مکافات، اصلاح

(اردبیلی، ۱۴۰۴: ۳۰). ارباب به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم می‌گردد. ارباب عمومی به معنی ایجاد هراس در توده‌ای

از مردم و بازداشتن افرادی که این امکان وجود دارد مرتکب جرم و جنایت گردند و ارباب اختصاصی نیز به این معنا است که

شخص مجرم با مجازاتی که می‌شود از رفتار خویش پشیمان گردد و پس از آن دیگر مرتکب جرم نشود. مکافات به معنی این

است که شخص مجرم می‌بایست تاوان رفتار ناپسند خویش را بدهد و مراد از اصلاح مرتکب جرم این است که در رفتار و کردار

مجرم تغییر و تحولاتی رخ دهد و اجرای حکم، سبب تربیت وی گردد. حال با توجه به این تعاریف که از اهداف مجازات به شمار می‌روند به نظر می‌رسد اجرای مجازات علیه شخص مجنون، هیچ کدام از این اهداف را در بر نمی‌گیرد.

در حالی که شخص مرتکب پس از صدور حکم قطعی مجنون می‌گردد، اجرای مجازات بر کسی که از لحاظ روانی قدرت درک روابط امور و تشخیص وقایع را ندارد، نمی‌تواند علت اعمال کیفر بر خود را متوجه شود و آن را واکنشی در برابر عمل مجرمانه خود بداند (خالقی، ۱۳۹۹: ۱/ ۱۱۹). بنابراین فایده و اثری بر اجرای مجازات شخص مجنون مترتب نیست و مناسب‌تر این هست که اعمال مجازات تا زمان افاقه به تاخیر افتد. در این رابطه موضع قانونگذار یکسان نبوده و بر حسب اینکه ماهیت مجازات تعیین شده حد و قصاص باشد یا تعزیر، شرایط اجرا متفاوت است و در صورتی که نوع مجازات تعزیری باشد، اجرای حکم تا زمان افاقه مرتکب به تعویق می‌افتد (رستمی، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۰۳).

فلذا با توجه به وضعیت خاص مجنون نه در عموم مردم و نه در خود فرد ترسی ایجاد نخواهد شد و بدیهی و روشن است همان طور که اجرای مجازات نسبت به شخصی که حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، هیچ توجیهی ندارد. بر این اساس اجرای حکم نسبت به مرتکبی که با وصف صحت عقل به هنگام ارتکاب جنایت، در زمان اجرای مجازات فاقد شعور، اراده و تمیز است، نه هدف تنبیه و سرکوبگری دارد و نه سبب اصلاح وی می‌شود و نه سایرین را مرعوب می‌سازد و چه بسا این احساس که عدالت تحقق یافته است در مردم پدیدار نمی‌شود و حتی آن‌ها را نسبت به دستگاه قضا و عدالت کیفری بدبین می‌کند.

## ۲-۵. تعارض با برخی مواد قانون

در حال حاضر نظام کیفری کشورمان با احکام متعارضی ناظر بر مفهوم جنون روبه‌رو است. حکم تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری تکرار مفاد تبصره ۱ ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی است که موجب آن جنون در جرایم حق الناسی مانع از تعقیب و رسیدگی نیست و این از شگفتی‌های قانونگذاری است (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲/ ۱۱۷). تعارض داشتن با برخی مواد قانون مجازات و آیین دادرسی کیفری که به نظر می‌رسد مراد مقنن بر این بوده است که در بعضی از جرایم به ویژه در خصوص مجازات‌هایی که از دسته‌ی حق الناس می‌باشند همانند قصاص و ضرر و زیان ناشی از جرم و نیز دیه، حتماً ضرر و زیان‌هایی که بر

بزه‌دیده وارد شده، جبران گردد و منظور این نیست که در مراحل تعقیب و محاکمه مرتکب مجنون را به مجازات محکوم نمود بلکه به نظر می‌رسد غرض مقنن این بوده که به هر حال صدمات و زیان‌هایی که به دیگری وارد شده اعم از زیان‌های مالی یا جانی به هر طریقی جبران گردد که این امر، موکول به رسیدگی در محاکم می‌باشد و بحثی قضایی است اما انشاء این ماده به این شکل مطلوب و درست نیست (هاشمی منصور، ۱۳۹۸: ۶۲)؛ چرا که اگر به این سبک باشد با برخی از مواد قانون مجازات اسلامی و برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری در تعارض است:

**الف.** ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد». حال در صورتی که شخص جانی پس از ارتكاب جرم و در حین رسیدگی عقل او زایل گردد، در این حالت چگونه به هنگام دفاع، عدم توجه و آگاهی خویش را به اثبات برساند و از رفتار ارتكابی خویش دفاع نماید؟

**ب.** ماده ۱۵۲ قانون مذکور: «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی و...». حال اگر فردی که در صحت عقل و سلامت روان در حالت اضطرار مرتکب جرمی گردد سپس بر اثر فشار روانی زیادی که به وی وارد شده مجنون گردد، چگونه می‌تواند ضرورت رفتار ارتكابی را اثبات نماید و از خویش دفاع کند؟ و یا اینکه شخص فاقد درک و شعور و قوه عقل چگونه خواهد توانست از خود دفاع کند که خطر را عمداً ایجاد نکرده است؟ فلذا لازمه دفاع از اتهام، برخورداری جانی از سلامت کامل عقل است.

**ج.** ماده ۱۵۶ قانون فوق‌الذکر مقرر داشته است: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض... با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌گردد، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود...». بر اساس این ماده فرد متهمی که جنون بر وی عارض گردیده چطور می‌تواند شرایط دفاع مشروع را اثبات نماید؟ قطعاً شخص مجنون نمی‌تواند بیان نماید که در مقام دفاع مرتکب جرم گردیده است. بند ب و پ ماده ۲۹۰ قانون مزبور بیان نموده: «هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی

آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می‌شود» و «.....مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد». بنابراین شخص مجنون باید در مراحل محاکمه و رسیدگی توان دفاع داشته باشد.

۵. ماده ۳۰۳ ق.م.ا در زمینه اعتقاد به مهدور الدم بودن مجنی علیه اشاره نموده است: «هرگاه مرتکب مدعی باشد که مجنی علیه حسب مورد در نفس یا عضو مضموم ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند.....». اثبات ادعایی که وی با اعتقاد به مهدور الدم بودن مرتکب جنایت شده نیازمند برخورداری از سلامت عقل است.

۵. ماده ۲۹۳ ق.م.ا: «هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مضموم تعریف جنایت عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر شبهه عمدی محسوب می‌شود...» همچنین در مواردی که مرتکب جهل به موضوع داشته است مانند بند ب ماده ۲۹۱ قانون مذکور که به این نکته اشاره دارد.

و. ماده ۳۸۰: «اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد».

ز. ماده ۵۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا شود و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد.....».

با توجه به مواد متعدد قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، روشن است که نظام کیفری بر اصل توانایی متهم در دفاع مؤثر و آگاهانه استوار است. بسیاری از نهادهای رافع مسئولیت کیفری مانند اضطرار، دفاع مشروع، فقدان سوءنیت، جهل به موضوع یا اعتقاد به مهدورالدم بودن، ماهیتاً نیازمند ادراک، شعور و قدرت استدلال مرتکب در مراحل تعقیب و محاکمه‌اند.

بنابراین پذیرش رسیدگی کیفری نسبت به شخصی که در جریان دادرسی دچار جنون شده، هرچند در جرایم حق الناسی، با فلسفه مسئولیت کیفری و اصول دادرسی عادلانه تعارض دارد. مقنن اگرچه قصد تضمین جبران خسارت بزه‌دیده را داشته، اما بیان حکم به نحوی که استمرار تعقیب کیفری فرد مجنون را القا کند با مواد متعدد قانونی و اصل دفاع مؤثر ناسازگار بوده و نشان‌دهنده ضعف در تقنین و لزوم تفسیر محدود و اصلاح تقنینی است.

## ۲-۲-۶. تعارض با عدالت و اخلاق اسلامی

از دیدگاه اخلاق اسلامی، عدالت حکم می‌کند که شخصی با چنین اوضاع و احوال و شرایطی پس از آفاقه بتواند از خودش دفاع کند. بی‌شک عنصر عدالت از مهم‌ترین اصول اخلاقی جامعه بشری به شمار می‌رود؛ چرا که از قدیم الایام توجه صاحب نظران و اندیشمندان را به خود جلب نموده است. از دیدگاه اسلام مولفه عدالت یکی از شروط ضروری و مهم امر قضاوت محسوب می‌گردد؛ زیرا مجازات مجنون موجب وهن دین و اخلاق اسلامی و نیز بدبینی نسبت به دستگاه قضا و عدالت کیفری می‌شود. به طور کلی علمای شیعه در فتاوا و استفتائات خود، بعضی اعمال که سبب وهن دین اسلام می‌شود را ممنوع می‌دانند؛ چرا که در دنیای امروز که هجمه‌ها و دشمنی‌ها به اسم حقوق بشر و ضد انسانی شمردن برخی دستورات اسلام به ویژه مجازات‌های خشن شدت گرفته است، بر این اساس ضرورت توجه به این مباحث بیش از پیش احساس می‌شود. برخی اندیشمندان اسلامی در مورد چگونگی مواجهه با هجمه‌های حقوق بشری بیگانگان معتقدند با توجه به شرایط زمان و مکان می‌بایست حکم صحیح هر مسئله‌ای را از منابع معتبر فقهی استنباط نمود و سپس به مرحله اجرا درآورد. همچنین اگر اقامه برخی حدود با کیفیت ویژه آن در منطقه‌ای خاص یا در همه مناطق یا در برهه‌ای از زمان موجب تنفر افکار عمومی از اسلام و احکام آن و در نتیجه تضعیف اساس دین شود، حاکم مسلمانان یا متولی حوزه قضا می‌تواند - بلکه موظف است - اقامه آن حد را تا زمان توجیه افکار عمومی نسبت به مقررات و حدود اسلامی و علت وضع آن‌ها تعطیل کند (منتظری، ۱۴۰۹: ۵۰۹/۲). نکته دیگر اینکه در اسلام مصلحت نظام مقدم بر تمام امور است و همه باید تابع آن باشند (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۳۴/۲۱).

از دیدگاه فقه جزایی امامیه، عقل شرط اساسی مسئولیت کیفری و مناط تکلیف شرعی است. بر مبنای قاعده‌ی «رفع القلم عن المجنون» و مستندات روایی معتبر، از جمله روایت حماد بن عیسی از امام صادق (ع) که از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند: «لَا حَدَّ عَلَى الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيَقَ»، در حالت زوال عقل، تکلیف و به تبع آن مجازات منتفی است. بنابراین، جنون از موجبات سقوط مسئولیت و توقف اجرای مجازات به شمار می‌رود.

این مبنا در آرای فقهای برجسته امامیه، همچون مقدس اردبیلی، آیات منتظری، موسوی اردبیلی، فاضل لنکرانی، شیرازی و بهجت، به روشنی مورد پذیرش قرار گرفته و اجرای هرگونه مجازات بر شخص فاقد شعور و اراده را مغایر با موازین شرع دانسته‌اند. از حیث اصول فقه نیز، این دیدگاه منطبق بر قواعد «درء الحدود بالشبهات» و «لزوم احتیاط در دماء و انفس» است، زیرا در فرض جنون، شبهه عقلایی نسبت به تحقق اراده‌ی کیفری وجود دارد و در چنین حالتی اجرای مجازات، از عدالت شرعی خارج است. در حقوق موضوعه ایران، قانون‌گذار با تبعیت از همین مبانی، در تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ابتلای متهم به جنون پیش از صدور حکم قطعی را از موجبات توقف تعقیب و دادرسی تا زمان افاقه دانسته است. همچنین به موجب ماده ۵۰۲ همان قانون، ابتلای محکوم‌علیه به بیماری روانی، موجب تعویق اجرای مجازات تا بهبودی می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۱۹۱/۹۹/۷ مورخ ۱۹/۰۳/۱۳۹۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز در تأیید این حکم، جنون را «مانع موقت دعوی عمومی» دانسته و مقام قضایی را مکلف به صدور «قرار توقف تعقیب یا دادرسی» اعلام کرده است. در این نظریه همچنین تصریح شده است که احراز افاقه امری موضوعی است و باید به تشخیص مقام قضایی با استعلام از پزشکی قانونی صورت گیرد.

در رویه قضایی، رای وحدت رویه شماره ۱۳۹۴-۶/۵/۷۴۲ هیات عمومی دیوان عالی کشور با موضوع: توقف اجرای حکم با درخواست اعاده دادرسی و رأی شماره ۱۹/۵/۱۳۷۱ شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور با تفکیک میان «عقب‌ماندگی ذهنی خفیف» و «جنون رافع مسئولیت»، بر ضرورت احراز زوال کامل قوه ادراک و تمییز برای رفع مسئولیت تأکید کرده است. این رأی، همسو با مبانی فقهی و اصول عقلایی، بر آن است که صرف ضعف ذهنی یا نقصان هوش، مجوز رفع مسئولیت کیفری نیست مگر آن‌که

شخص در زمان ارتکاب، فاقد شعور و اراده‌ی مؤثر باشد. در فرض جنون دائمی که امیدی به افاقه وجود ندارد، نظر فقهای مانند آیت‌الله بهجت بر سقوط قصاص و ثبوت دیه از مال مجنون است؛ تحلیلی که از حیث فلسفه‌ی مجازات نیز موجه می‌نماید. زیرا اهداف سه‌گانه‌ی مجازات — ارباب، اصلاح و مکافات — در مورد مجنون محقق نمی‌شود و اجرای مجازات در چنین وضعی نه تنها بی‌ثمر بلکه مغایر عدالت کیفری و کرامت انسانی است.

بر اساس اصول عدالت اسلامی و قاعده‌ی کرامت ذاتی انسان، مجازات شخص فاقد شعور و اختیار، خلاف عدالت قضایی است و دادرسی بدون حضور اراده‌ی آگاه متهم، فاقد اعتبار اخلاقی و شرعی است. این تحلیل، همسو با مبانی فقهی امامیه و نیز معیارهای حقوق کیفری معاصر است که صلاحیت روانی را رکن مسئولیت می‌دانند. در حوزه سیاست جنایی اسلام، نیز فقیهان معاصر از جمله آیت‌الله منتظری تصریح کرده‌اند که حاکم شرع اختیار دارد در صورت تعارض اجرای حد با مصالح اجتماعی یا وهن وجهه‌ی دین، اجرای آن را تا زمان مناسب به تأخیر اندازد. این مبنا، انعطاف فقه در مواجهه با مقتضیات عدالت اجتماعی و دادرسی منصفانه را نشان می‌دهد. بنابراین، از مجموع مبانی فقهی، اصول حقوقی، نظریه‌های مشورتی و آرای قضایی چنین استنباط می‌شود که: جنون، اعم از پیش از ارتکاب جرم یا پس از آن، از موانع مسئولیت کیفری است و در فرض عروض آن پیش از صدور حکم قطعی، دادرسی باید متوقف و در صورت افاقه، ادامه یابد؛ در غیر این صورت، مجازات ساقط و دیه جایگزین می‌شود. این نظریه با اصول عقلایی، عدالت قضایی، کرامت انسانی و اهداف تربیتی شریعت در هماهنگی کامل است و نمود آشکاری از پویایی اجتهاد فقه امامیه در تطبیق با نظام عدالت کیفری نوین به شمار می‌آید.

## نتیجه گیری

پیرامون تعقیب شخصی که در هنگام سلامت مرتکب جرم شده و پس از آن و قبل از صدور حکم قطعی جنون بر او مستولی شده، نظرات متنوعی وجود دارد. برخی قائل به عدم سقوط مجازات هستند و گروهی نیز بر این باورند که مجازات باید تا زمان افاقه، متوقف شود و اگر افاقه‌ای صورت پذیرفت، مجازات را ساقط می‌دانند. برخی نیز میان جرائم ارتكابی فرق گذاشته‌اند و برای برخی جرائم قائل به سقوط مجازات و برای دسته‌ای دیگر قائل به اجرای مجازات هستند. هر کدام از این نظرات مؤیدات و مضعف‌هایی دارد که در این پژوهش بدان پرداخته شد. به نظر می‌رسد دیدگاه کسانی که قائل به مجازات نیستند، با دیگر قواعد فقهی، مواد قانونی و اخلاق حقوقی سازگارتر است؛ چه اینکه مجازات شخصی که توان دفاع از خود ندارد، صرفاً مستند به مدارکی که چه بسا متهم اگر از قدرت عقل برخوردار بود می‌توانست آن را به چالش بکشد و یا دلایلی متقن ارائه نماید که دادگاه بدون لحاظ آن دلایل، اقدام به صدور رأی کرده است. البته دغدغه قانونگذار، جبران خسارات بزه دیده بوده و به همین جهت میان جرائم حق الناسی فرق گذارده است؛ با این حال آنچه از طرفی به قواعدی چون احتیاط در دماء و انفس و همچنین درأ و از طرفی دیگر با سایر موارد قانونی و همچنین ضرورت دادرسی منصفانه مبتنی بر حق دفاع برای متهم نزدیک تر است، توقف اجرای حکم تا زمان افاقه و در صورت عدم افاقه، سقوط مجازات است. البته در مورد ضرر و زیان وارد شده می‌توان با ساز و کارهایی مشابه اجرای حکمی که علیه شخص غائب استفاده می‌شود از ضمانت و تأمین مناسب بهره گرفت.

## منابع

قرآن کریم؛

ابن عابدین، محمد امین بن عمر (۱۹۷۹م)، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت: دارالفکر.

ابن عابدین، محمد امین بن عمر. (۱۳۸۸ق)، *المغنی*، قاهره: مکتبة القاره.

ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم (۱۴۱۹ق)، *الاشباه و النظائر علی مذهب ابی حنیفه النعمان*، بیروت: دارالکتب

ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸ق)، **القاموس الفقہی لغۃ و اصطلاحاً**، دمشق: دارالفکر.

اردبیلی، محمد علی (۱۴۰۲ش)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: نشر میزان.

امامی، سید حسن (بی تا)، **حقوق مدنی**، تهران: کتابفروشی اسلامیہ.

آشوری، محمد (۱۳۸۹ش)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.

آقایی نیا، حسین - رستمی، هادی (۱۴۰۴)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میزان

بحرانی، محمدصنقر علی (۱۴۲۶ق)، المعجم الأصولی، قم: منشورات الطیار.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیہ**، بیروت: دارالعلم للملایین.

حاجی ده آبادی، احمد (۱۴۰۰ش)، **درسنامه قواعد فقه جزایی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه..

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **وسائل الشیعه**، قم: موسسه آل البیت.

حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴ق)، **فقه الصادق (ع)**، قم: موسسه دارالکتاب.

حسینی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دارالفکر.

خطاب، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، **مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل**، بیروت: دارالفکر.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **قواعد الأحکام**، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.

خالقی، علی (۱۴۰۴ش)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۱۵ق)، **مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنہاج**، بیروت: دارالکتب العلمیه.

خمینی، سید روح الله (۱۳۶۷ش)، **تحریر الوسیله**، قم: موسسه مطبوعات دار العلم.

خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۴ق)، **توضیح المسائل**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، قم: موسسه اسماعیلیان.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، **مبانی تکمله المنہاج**، قم: موسسه احیاء آثار امام خویی.

- رستمی، هادی (۱۳۹۸ ش)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران: نشر میزان.
- ساریخانی، عادل (۱۳۸۹)، **تأثیر حدود جنون پس از ارتکاب جرم بر مجازات**، شماره ۲۷ فصلنامه حقوق اسلامی.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۹۳ق)، **الأم**، بیروت: دارالمعرفه.
- شاکری، بلال (۱۳۹۵ش)، بازخوانی حجیت اجماع مدرکی، دوره ۴۸ (شماره ۳)، فصلنامه فقه و اصول.
- شریفی، محسن (۱۳۹۸ ش)، دانشنامه مسولیت کیفری. تهران: نشر میزان.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۴۰۴)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، تهران: نشر میزان
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الإسلام**، قم: موسسه معارف شیرازی، سید محمد (بی تا)، **الفقه: کتاب الحدود و التعزیرات**، قم: دار القرآن الحکیم.
- صاوی، احمد بن محمد (۱۴۱۵ق)، **بلغه السالك لأقرب المسالك**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، سید علی بن محمد علی (۱۴۰۴ق)، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
- طریقتی، شکرالله (۱۳۵۳ش)، **مقدمه ای بر روانشناسی و روانپزشکی کیفری**، تهران: دهخدا.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الإمامیه**، تهران: مکتبه المرتضویه.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۸ ش)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران: نشر میزان.
- طهماسبی، جواد- امیررضا (۱۴۰۴ ش)، **تحلیل کاربردی قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی و قضایی**، تهران: قوه قضائیه
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (بی تا)، **معجم المصطلحات والألفاظ الفقہیہ**، بی جا.
- علوی، عادل (۱۴۲۰ق)، **القصاص تقریرات آیت الله مرعشی نجفی**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- عمرانی، یحیی بن ابی الخیر (۱۴۲۱ق)، **البيان فی مذهب الإمام الشافعی**، جده: دارالمنهاج.
- عمید، حسن (۱۳۸۹ش)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: راه رشد.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۷ق)، **تفصیل الشریعه (الحدود)**، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع).

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **كشف اللثام عن قواعد الأحكام**، قم: جماعه المدرسين في الحوزه
- گلیپایگانی، محمد رضا (۱۳۷۲ق)، **درالمنضود في احكام الحدود**، قم: دارالقرآن الکریم.
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۶ق)، **ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی
- محیی، جلیل و ریاضت، زینب (۱۳۹۷ش)، **شرح قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)**، تهران: نشر میزان.
- مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۰ق)، **کتاب القصاص**، قم: موسسه النشر الإسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸ق)، **انوار الفقاهه: کتاب الحدود و التعزیرات**، قم: موسسه الإمام علی بن ابی
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ق)، **دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه**، قم: دارالفکر.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۳ش)، **حقوق جزای عمومی ۲**، تهران: دادگستر نشر.
- نجفی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۹ش)، **اصل قضایی بودن مجازاتها: تحلیل فقهی حق بر محاکمه عادلانه**، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- نوربها، رضا (۱۳۷۰ش)، «**بررسی وضعیت مسئولیت کیفری اطفال و مجانین در قانون مجازات اسلامی**»،  
مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹.
- نوربها، رضا (۱۳۸۳ش)، **حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- هاشمی منصور، پردیس (۱۳۸۹ش)، **چالش های حقوقی، مواجهه با مجانین در نظام دادرسی کیفری**، دانشگاه آزاد واحد صفا دشت.